

**ناصر زرافشان** از **وکلای یکی از پر سر و صداترین پرونده‌های جنایی سال‌های اخیر** است. پرونده‌ای که طی آن به **قتل مرحوم داریوش فروهر و همسرش، محمد مختاری** و **محمدجعفر پوینده** رسیدگی شد. حکم صادر شد و اکنون برای تأیید به دیوان عالی کشور رفته است. اما ماجرا با صدور حکم پایان نیافته و ناصر زرافشان وکیل این پرونده به دادگاه احضار شد. دادگاه به جرایم او رسیدگی کرد و اکنون حکم وی در مر حله تجدیدنظر خواهی است. آنچه پیش رو دارید گفت‌وگویی است با ناصر زرافشان وکیل پایه یک دادگستری پیرامون اتهامات وی و حکم دادگاه بدوی.

***نُور:*** چه عاملی سبب شد که شما وکالت پرونده قتل‌های زنجیره‌ای را به عهده بگیرید؟

اولاً من وکیل دادگستری هستم و این کار من است. این که یک نفر وکیل، وکالت پرونده‌ای را به عهده گیرد چرا ندارد؟ این که وکیلی از به عهده گرفتن وکالت پرونده‌ای خودداری کند چرا دارد. ثانیاً مسأله قتل‌های زنجیره‌ای یک مسأله ملی است و با حقوق و آزادی‌ها و سرنوشت مشترک و مشاع همه مردم ارتباط دارد، از این رو توجه و دخالت همه مردم را ایجاب می‌کند، حتی اگر وکیل نباشند و دخالت آنها به صورت شخصی و به عهده گرفتن وکالت پرونده نباشد، ثالئاً گذشته از این جنبه‌های عمومی قضیه، فروهر، مختاری و پوینده دوستان من بودند، معنی این کلمه را می‌دانید. من با فروهر در دهه چهل در قزل قلعه و قصر هم بند بودم، مختاری و پوینده عضو هیأت تدارک کانون

آشکارت‌تر می‌شد که ما به جنگی می‌رویم که نتیجه آن از قبل معلوم است. تلاش ما برای روشن شدن پاسخ اساسی‌ترین سوالات موجود در پرونده به جایی نرسید و در چنین وضعی معلوم بود محاکمه‌ای که در محدوده این تحقیقات و بر اساس پرونده‌ای که به این ترتیب تشکیل شده بود، صورت می‌گرفت، نمی‌توانست به حق اصابت کند و از این رو شکاه و اولیای دم به این نتیجه رسیدند که بهتر است از شرکت در چنین دادگاهی خودداری کنند.

***نُور:*** با توجه به این که در دادگاه حاضر نشدید، آیا لایحه‌ای به دادگاه ارائه دادید؟

لایحه‌ای که بدل از حضور ما در خود دادگاه و مربوط به جریان محاکمه باشد خیر، زیرا با خودداری شکاه از حضور در دادگاه این کار معنی نداشت. ما پیش از شروع محاکمه لوایح خود را در زمینه نقص تحقیقات و تشریح دلایل و جهات ایراد نقص خود به دادگاه داده بودیم. بدیهی است که ادامه جریان رسیدگی منوط به انجام تحقیقات جدی و اساسی و رفع این نقایص بود. بدون رفع این نقایص پرونده برای طرح در دادگاه و انجام محاکمه آماده نبود. به همین دلیل هم شکاه و اولیای دم در جلسه دادگاه حاضر نشدند به این ترتیب، دادن لایحه‌ای که به معنای حضور در محاکمه و بدل از حضورمان در جلسه محاکمه باشد معنی نداشت.

***نُور:*** همین لوایح اولیه موجب شد که پرونده‌ای برای خود شما تشکیل شود؟

نشد توضیح دادم که این بدعت نادرست و خطرناکی است که مدتی است باب شده که هرکس از عملکرد نادرست هر مسؤولی انتقاد کرد به تبلیغ علیه نظام متهم می‌شود. معنای قانونی تبلیغ علیه نظام این نیست. نظام مجموعه‌ای از اصول و نهادهای مستقل از افراد و اشخاص و روابط میان این نهادهاست به شرحی که در قانون اساسی آمده. به عبارت دیگر نظام یک ساختار انتزاعی مشتمل از افراد است و بحث پیرامون عملکرد مسؤولان -جز یکی دو استثناء-به هیچ وجه تبلیغ علیه نظام نیست. کسانی که عناوین قانونی را تحریف و از آنها برای بستن دهان منتقدین خود سوء استفاده می‌کنند علیه نظام تبلیغ می‌کنند. پس از طرح این بحث‌ها در جریان تحقیقات اتهامات تازه‌ای مطرح و در دفتر کار اینجانب سلاح و مهمات و مشروب کشف شد.

***نُور:*** سلاح و مهمات چه زمانی در دفتر کار شما کشف شد؟

حدود یک هفته بعد از بازداشت من -یک روز کمتر یا بیشتر آن را دقیقاً به خاطر ندارم اما به هر حال پس از بازداشت و انجام چند جلسه تحقیقات اولیه و توثیق وثیقه از طرف دوستان من صورت گرفت. با این توثیق وثیقه دیگر موجبی برای ادامه بازداشت وجود نداشت. قانوناً من باید آزاد می‌شدم، ضمناً جلسه محاکمه هنوز شروع نشده بود و من هم در زمینه وضعیت پرونده و نحوه تحقیقات بر مواضع قبلی خود باقی بودم. اوراق و مدارک موجود در پرونده حاکی است که من به علت سپردن وثیقه‌ای که مقرر شده بود در این روز آزاد شده‌ام، اما آنچه عملاً اتفاق افتاد

# خانه‌ای که سقف آن را از قبل زده‌اند

**گفت وگو با ناصر زرافشان – وکیل پرونده قتل‌های زنجیره ای گفت و گو: رویا کریمی‌مجد**

هیچ‌گونه شباهتی به آزادی به دلیل سپردن وثیقه نداشت زیرا مرا تحت‌الحفظ همراه چند نفر از مأمورین عملیات سازمان قضایی نیروهای مسلح در اتومبیل بسته‌ای از اوین خارج کردند. این قضیه بین ساعات ۳ تا ۴ بعدازظهر اتفاق افتاد و من خود از سپردن وثیقه از طرف دوستانم و اینکه باید آزاد شوم اطلاعی نداشتم و چیزی هم به من اعلام نکردند. از زندان اوین مرا به سازمان قضایی نیروهای مسلح آوردند مدتی در آنجا بودم. آنگاه مجدداً همراه مأمورین به اتومبیلی سوار کردند و به راه افتادیم و این بار در میانه راه اعلام کردند که برای بازرسی از محل کار اینجانب می‌روند. اما در بین راه - در خیابان مفتح - توقف کردند. یکی از مأمورین از اتومبیل پیاده شد و مدتی با بی سیم صحبت کرد. آنگاه به سازمان قضایی نیروهای مسلح برگشتند و مرا به بازداشتگاه سازمان مزبور منتقل کردند. حدود ساعت ۹ شب برگشتند و از من می‌خواستند برهه‌ای را امضا کنم که به درخواست خود من بازرسی از محل کار به شب هنگام موکول شده است. پس از آن در میدان گلها مدتی توقف کردند تا جماعت دیگری هم رسیدند و به آنان ملحق شدند و به دفتر کار اینجانب رفتیم. در آنجا یک قبضه سلاح با مهمات و یک بطری حاوی مایع بی‌رنگی که بعداً گفته شد مشروب الکلی بوده است در یک کارتون کنار هم در یکی از اطاق‌های دفتر قرار داده شده بود که همراه برخی اوراق و پرونده‌ها و یادداشت‌های شخصی و از جمله پرونده قتل‌ها جمع‌آوری و به سازمان قضایی نیروی مسلح آورده شد. من از همان لحظه رؤیت سلاح و مهمات و مشروب صراحتاً اعلام کردم که این اشیاء هیچ ارتباطی به من ندارند و آنها را در زمانی که من در بازداشت بودم و دفتر کارم تعطیل بوده است و هیچ‌گونه حضور و نظارت و

سلطه‌ای بر آن نداشته‌ام در دفتر کارم قرار داده‌اند و طبیعتاً در قبال آنها هم هیچ‌گونه مسؤولیتی ندارم.

***نُور:*** در مدت یک ماه بازداشت خود در چه شرایطی نگهداری می‌شدید؟

جز شب اول پس از بازرسی دفتر که مرا به پادگان حشمتیه بردند قبل و بعد از آن در اوین بودم و پس از تشدید تأمین و این بار صدور قرار بازداشت موقت ممنوع‌الملاقات، تمام مدت را در سلول انفرادی در بند ۲۴۰ بودم.

***نُور:*** چه مرجعی حکم بازداشت شما را صادر کرد؟

شعبه ویژه مستقر در سازمان قضایی نیروهای مسلح به تصدی بازپرس شعبه ۱۳ این سازمان. اما متأسفانه واقعیتی تا این حد آشکار اخیراً مورد تکذیب روابط عمومی قوه قضائیه قرار گرفته است زیرا روابط عمومی مزبور در پاسخ اعتراض آقای قوامی رئیس کمیسیون قضایی مجلس مدعی شده است «بر خلاف اظهارنظر آقای قوامی پرونده در محاکم دادگستری رسیدگی شده و نه در سازمان قضایی نیروهای مسلح» که این ادعای روابط عمومی قوه قضائیه صحیح نیست. برگ برگ پرونده را از میان برد. از برگ اول هشخاطریه‌ای که در تاریخ ۷۹/۷/۱۴ به من ابلاغ شده و بر روی فرم‌های چایی سازمان قضایی نیروهای مسلح از طرف شعبه ویژه مستقر در این سازمان از من خواسته شده است روز ۷۹/۷/۲۰ خود را به اتاق شماره ۳۲۰ این سازمان معرفی کنم تا آخرین روزی که درخواست تجدیدنظر نسبت به رأی صادره کرده‌ام و رسید و وصول



این درخواست به مهر و امضای شعبه ویژه سازمان قضایی نیروهای مسلح در اختیار اینجانب هست و با این وصف تعجب می‌کنم چگونه روابط عمومی قوه قضائیه این اظهارات را کرده.

***نُور:*** آیا قاضی پرونده شما ابلاغ ویژه داشت؟

البته روابط عمومی قوه قضائیه حتی نمی‌گوید بازپرس نظامی که رسیدگی و حکم صادر کرده ابلاغ ویژه داشته است است، بلکه می‌گوید «پرونده در محاکم دادگستری رسیدگی شده و نه در سازمان قضایی نیروهای مسلح» که این ادعا کاملاً خلاف واقع است، اما حتی اگر هم گفته بود در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شده، بازپرس نظامی این سازمان ابلاغ ویژه دارد هم قانوناً ادعای قابل قبولی نیست. ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و به طور طبیعی و تبعی تبصره ذیل این ماده ناظر به دادگاه‌های عمومی است نه مراجع اختصاصی-اختیاری هم که تبصره ذیل این ماده در زمینه صدور «ابلاغ خاص» به ریاست قوه قضائیه می‌دهد مختص دادگاه‌های عمومی است. عکس این عمل توجیه قانونی ندارد که به قاضی یک مرجع اختصاصی ابلاغ ویژه برای دادگاه‌های عمومی داده شود مخصوصاً که بازپرس دادسرای نظامی قاضی ایستاده است و دادرس دادگاه عمومی قاضی نشسته و اصولاً قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و آیین‌نامه اجرایی آن، همانطور که از اسمش به روشنی پیدا است مربوط به دادگاه‌های «عمومی و انقلاب» است نه سازمان قضایی نیروهای مسلح که مرجعی اختصاصی و متفاوت با این دو است.

***نُور:*** چرا سازمان قضایی نیروهای مسلح صلاحیت رسیدگی به پرونده شما را ندارد؟

برای اینکه من یک شهروند غیرنظامی و یک وکیل دادگستری هستم. صلاحیت‌های سازمان قضایی نیروهای مسلح محصور و احصاء شده است و در ماده یک قانون مجازات جرائم؟؟؟

***نُور:*** محدود شده است به جرائم؟؟؟

و حتی در مورد رسیدگی به جرائم عمومی همین هفت مقوله هم صلاحیت ندارد، یعنی حتی اگر یکی از پرسنل تحت‌السلاح ارتش یا سپاه یا نیروی انتظامی هم متهم به افشای اسرار دولتی باشد، رسیدگی به این اتهام خارج از صلاحیت سازمان قضایی و در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است.

***نُور:*** این دادگاه چه حکمی برای شما صادر کرده؟

دو سال زندان به عنوان افشای اسرار دولتی، سه سال زندان برای نگهداری سلاح و مهمات و پنجاه ضربه شلاق برای نگهداری مشروب الکلی.

***نُور:*** پس اتهام تبلیغ علیه نظام چه شده؟

در رأی صادره آمده است که در مورد اتهام تبلیغ علیه نظام با توجه به دفاعیات مؤثر مکمل رأی بر برائت صادر شده است..

***نُور:*** به نظر می‌رسد در اتهام افشای اسرار دولتی شما به دلیل اجرای وظایف شغلی تان در معرض این اتهام قرار گرفته‌اید. آیا کانون وکلا از شما حمایت کرد؟

موضع کلی کانون حمایت از وکلا در این زمینه است و با آماده شدن لایحه تجدیدنظرخواهی خود شخصاً نیز از کانون خواهم خواست با توجه به این که این گونه مسائل و مشکلات طی سال‌های اخیر به طور کلی و نه در مورد من خاص، برای



برخی از وکلا، به دلیل انجام وظایف حرفه‌ای‌شان پیش آمده است، کانون، به عنوان تشکل صنفی وکلا که وظیفه حفظ حقوق و مصالح صنفی آنان را به عهده دارد، نیز در این زمینه اقدام کند. نقش و وظیفه وکیل در دادرسی این نیست که برای خالی نبودن عریضه و برای آراستن ویتترین دادرسی، او هم نقشی داشته باشد و گوشه‌ای از «اپازل» را پر و تکمیل کند. وکیل ناظر و مدافع اجرای قانون، پاسدار نظم عمومی و اجرای قوانین و موظف به ایستادگی برای احقاق حق به موکل خویش است و به موجب سوگندی که هنگام دریافت پروانه وکالت خورده است، شرافت خود را وثیقه انجام این وظیفه قرار داده است و از این روانیت وکیل دادگستری بخصوص در پرونده‌هایی که حاکمیت و قدرت عمومی طرف دعوا قرار گرفته، جزئی از امنیت قضایی و لازمه اجرای قانونی است و باید برای جلوگیری از تعرض قدرت عمومی به امنیت وکیل چاره‌ای اندیشیده شود. این مهم امری صنفی و پیگیری آن دردرجه اول به عهده کانون وکلای دادگستری است.

اکنون که بحث امنیت وکیل در مواردی که قدرت عمومی طرف دعوی قرار می‌گیرد مطرح شد جا دارد اشاره‌ای هم به عنادی بکنم که رأی صادره در کلیت خود با موضع رسمی نظام در مورد پرونده قتل‌ها دارد. از یکسو موضع رسمی نظام این است که قتل‌های زنجیره‌ای کار یک محفل بسته و خودسر فاسد است که ربطی به نظام ندارد و از سوی دیگر قاضی پرونده و اینجانب را به علت بحث درباره اظهارات و عملکرد همین محفل خودسر و فاسد تحت عنوان افشای اسرار دولتی محکوم کرده است، سؤال این است که آیا موضع رسمی نظام را باید پذیرفت یا استنباط قاضی صادرکننده این رأی را؟